

بهاء الدین ادب؛ خوشنام در قلب مردم

یلد یاد آور

متن زیر گزیده‌ای از سخنرانی مهندس حسین شاه‌اویسی در آیین سوگواری زنده‌یاد بهاء الدین ادب است. بر خود لازم دانستیم از این سرد بزرگ خطه کردستان در این ویژه‌نامه یاد کرده باشیم. روحش شاد، راهش پر رهرو

حالی بود که تا این زمان در طول تاریخ پارلمان ایران نمایندگان کرد به ندرت بر سر یک موضع هماهنگی و همدلی داشته‌اند...

درباره انسان و حقوق بشر می‌گفت: بزرگترین ناقضان حقوق بشر در ازای تاریخ دولت‌های متمرکزی بوده‌اند که با تکیه بر یک گروه یا یک حزب اداره شده‌اند و دیگران را رها کرده‌اند. از این رو به کثرت گرای مساوات طلبانه، باور راستین داشت. عاشق ایران و مردم بود و نه تنها کردان که بلوچان، ترکمنان، آذربای، فارس‌ها و... در یک جمله در جای‌جای ایران در فقدانش گریستند و در غمی جانکاه فرورفتند.

به راستی در دل‌های مردم زندگی کردن چه زیاست و چه ماندگار. باری چو فسانه می‌شوی ای بخرد / افسانه نیک شونه افسانه بد... آن گاه که به میان روستاییان می‌رفت تا با آنان به گفت و گو بنشیند و از درد و مشکلات آنان بیشتر الهام گیرد، به هنگام بازگشت با تأثیری که در چهره‌اش دیده می‌شد، عمق همدردی‌اش را به قول شاعر این گونه بیان کرد:

من از نگاه خسته پیران دردمند / من از فروغ دیده طفلان بی گناه / من از جواب پرسش خاموش هر نگاه / من از غبار خفته در آغوش راه‌ها /

احساس شرم می‌کنم و رنج می‌برم
زاگرس، الوتند و البرز را نماد پایداری ایران و ادب و رافرزند زاگرس به دیگر سخن فرزند کرد و ایران می‌دانم و هر گاه از کردستان و کرد گفت همواره آن را با دغدغه میهن‌مان ایران همراه ساخت از این روست که می‌گویند: «از زاگرس سر بر آورد و در البرز سر بنهاد»... بگوئیم از ادب پیام‌وریم تا وطنمان را در همبستگی ملی که در اثر استقرار عدالت و رفع تبعیض‌ها به دست می‌آید در مقابل استعمارگران که هر روز به نوعی تهدیدمان می‌کنند، بیمه کنیم و به خودمان و ملتمان روی آوریم پیش از آن که پشیمان شویم که نیامی گویند: «ما شریک همیم اندر این کار».

مهندس ادب در آخرین کلامش در بیمارستان گفت: «مراقب مردم باشید و دم فرو بست. باشد روح بلند او در ملکوت اعلا با پیامبر بزرگ که درود خدا بر او یاد محشور شود».

و ادب این گونه خوشنام در قلب مردم زیست و این گونه با شکوه ترک‌مان کرد یادش گرایی در اهش مستدام

• متن کامل سخنرانی آقای حسین شاه‌اویسی در آیین سوگواری زنده‌یاد بهاء الدین به تاریخ ۴ شهریور ۱۳۸۶ در نشر به چشم‌انداز ایران شماره ۴۶ آمده است.

مهندس ادب انسانی بود، جوایز زندگی، خواستار حقوق، دوستدار دنیانه تارک دنیا، به کار گیرنده عقل نه جبر، به کثرت قوم‌ها و رنگ‌ها و اندیشه‌ها باورمند بود و می‌گفت در چنین ساختار کثرت‌گرایی است که جامعه به تعادل می‌رسد. به راستی از زبان شیخ محمد خلیاباتی بگویم: «او اولاد قرن حاضر بود و عاق قرن خود نشد».

از میان مارفت و کردستان یکی از بهترین فرزندان شایسته خدمتگزارش را از دست داد و ایران، یکی از سرمایه‌های فکر و تولیدش وداع گفت... به راستی زنده یاد ادب مصداق این بیان پرارزش انسان مدارانه عرفی بوده که: «چنان‌زی که پس از مرگ مسلمات به زمزم شوی و کافر سوزانند».

مهندس ادب دریافته بود که در ناآگاهی و نادانی نه آزادگان نه انسان دوستان، بلکه خود کامگان نظیر چنگیز، مغول و اسکندر و... ولی این بار نه با شمشیر و نیزه که با تانک و توپ، بمب‌های شیمیایی و... انتظار ما را خواهند کشید. این امر را در مشاهدات روزمره و مطالعات تاریخی - اجتماعی خویش دریافته بود که دانایی و دانش رمز توسعه جامعه ایرانی و فقدان آن عامل اصلی اختلاف‌ها و عقب‌ماندگی‌های ماست. می‌گفت: «به جای نفرین بر تاریکی باید شععی بر افروخت تا فرار استمدیدگان و گمراهان باشد».

در پرتو این تحلیل بود که می‌گفت: «راه‌حل اصلاح امور کشور، رفع فقر و تبعیض‌های قومی و جنسیتی و بی‌عدالتی‌ها، از مدرسه و دانشگاه و دانش و دانایی می‌گذرد نه با بستن فضای جامعه». او در جبهه متحد کرد می‌گفت از تاریخ درس بگیریم: «بیایم به کود کانمان پیام‌وریم، جهان بی‌گلوله و باتوم زیبا تر است. کودکی که با مسلسل بازی می‌کند، جهان را نجات نخواهد داد، پس در آفرینش نسلی سرشار از دانایی، آفرینندگی، عشق به هم‌نوع و آزادگی بگوئیم».

آن که تبعیض‌رومی دارد، گرفتار نادانی است، آن که تبعیض می‌پذیرد، اسیر ناآگاهی است و آن که اختلاف ایجاد می‌کند تنها زیاب خودخواهی و سودجویی نیست بلکه دلیل جهل و نادانی هم هست.

در پایگاه خدمتگزارای ملت با مردم صادق بود و قدمی در راه فریب آنها برنداشت. شاید تمامی قدرت پایداری او ناشی از آن بود که به آرمان و ایمان خود باور داشت. به خود دروغ نمی‌گفت، به دنبال جمع‌آوری مرید و پیرو و مخلص هم نبود...

او اهل سیاست باز و آشکار بود و از پنهان کاری و توطئه به شدت خود را بر حذر می‌داشت. ایجاد فراکسیون نمایندگان کرد از دیگر دستاوردهای دوره نمایندگی او در خانه ملت است که موفق به همدلی و هماهنگی بین نمایندگان مناطق کردنشین در مجلس شد. این در

